

گیاهان دارویی در طب سنتی دوان

عبدالنبی سلامی

پیشگفتار:

مردم کشور پهناور ما مطمئناً جزو اولین مردم سرزمین‌های باستان‌اند که از گیاهان دارویی به عنوان ماده‌ای حیات‌بخش استفاده شایانی کرده‌اند. در دوره‌های مختلف تمدن این مرز و بوم، چه پیش از اسلام و چه پس از آن، طبیبان و دانشمندان بزرگی همچون برزویه طبیب (حکیم دوره ساسانیان)، ابن سینا، محمد زکریای رازی، اسماعیل جرجانی، الاهوازی، ابوریحان بیرونی و دیگر دانشمندان دوره اسلامی ایران از جمله کسانی بوده‌اند که چون نگینی بر تارک تاریخ پزشکی جهان می‌درخشند. امروزه به دلایلی، عده‌ای سعی می‌کنند «طب قدیم» را مخدوش کرده و آن را باطل شمارند و گیاه درمانی را به عنوان دکان‌داری عده‌ای عطاری ناآگاه مطرح می‌کنند و در کل آن را مردود می‌دانند. اینان از این پیشینه درخشان تاریخی غافلند که [گیاه درمانی] قرن‌ها، انسان را از بیماری‌های جسمی و روحی نجات داده و امروزه طب نوین بر پایه مستحکم آن بنا شده است؛ زیرا با استفاده از عصاره‌های گیاهی، داروی بسیاری از دردها را یافته، و جایگزین داروهای شیمیایی – که عوارض جانبی بعضی از آنها کم از درد اصلی نیست – کرده است. این نوشتار که به «گیاهان دارویی دوان» اختصاص دارد، از میان ده‌ها گیاه دارویی که در طب سنتی دوان به مصرف می‌رسد، تنها به توضیح و توصیف چند نوع گیاه که خاصیت درمانی آنها را سوی دانشمندان علم پزشکی نوین نیز تأیید و توصیه شده است، می‌پردازد.

دوان کجاست؟

دوان روستایی است در ۱۲ کیلومتری شمال کازرون، واقع در بن‌بست پیوسته کوه‌های زاگرس. این روستا روی طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۲۲/۵ دقیقه قرار گرفته و جزو حومه کازرون است. دوان با توجه به آثاری که در آن جای مانده است و همچنین وجود گویش کهن مردم آن، جزو روستاهای آباد دوره‌های باستان است و امروزه با جمعیتی نه چندان زیاد، همچنان زنده و آبادان است.

مردم روستا از زمان‌های قدیم دردهای معمول خود را با استفاده از تجویز پزشکان محلی و عمدتاً از طریق دستوران علمای خود، درمان کرده، از گیاهان دارویی منطقه سود برده‌اند.

پوشش گیاهی طبیعت دوان.

منطقه کوهستانی دوان جزو اقلیم پیوسته کوه‌های زاگرس و عمدتاً تابع اقلیم گرم و خشک مدیترانه‌ای است. در این اقلیم نسبت به اقلیم جنوبی‌تر، تعداد روزهای خشک کم است و آب‌وهوایی دارد که سبب ایجاد جنگل‌هایی در مناطق کوهستانی شده است.

در منطقه دوان دو جامعه گیاهی بلوط و بنه - بادام کوهی وجود دارد، که گاهی به‌طور خاص و گاهی مخلوطی از درختان و درختچه‌های مختلف، منطقه‌ای را پوشش می‌دهند. در جامعه بنه و در مناطق پست‌تر بادام می‌روید. علاوه بر این، گیاهان دیگری نیز به‌صورت پراکنده در دو جامعه بلوط و بنه می‌روید که می‌توان به *ciyal* (زالزالک)، *andzi* (انجیر وحشی) *arjan* (ارژن)، *xormur* (امرو)، *her* (گلابی وحشی)، *guserg, delam* (سرخ و لیک در گرگان)، و... اشاره کرد.

علاوه بر درخت و درختچه‌ها، گیاهان علفی فراوانی نیز در دشت‌ها و کوهپایه‌های دوان می‌روید که تعداد خوراکی و تعدادی دارویی است و تعدادی نیز به مصرف خوراک دام می‌رسد.

۱ - گیاهان خوراکی: از میان این دسته از گیاهان، می‌توان به تعدادی از آنها (نمونه‌وار) اشاره کرد: مثل *asso pes tirišuk irsuk .e bivinuk_dar .e benak_dar .kârda .lisak* ، *soza .es:z .xandal .sirmuk .a lu:la . ravâsk .e pâzan_rîš .y kôg_sine* ، و.....

۲ - گیاهان دارویی: این دسته که گیاهان بیشتری را در برمی‌گیرند، عبارتند از:

Arvek (برنجاسف)، *alpa* (ارپه به گویش شیرازی)، *esopenaj* (اسفناج)، *agep* (اگیر)، *angera* (گزنه سفید)، *angesu* (انجدان)، *angir* (انگور)، *šôe pe:n_omek* (آویشن شیرازی)، *šôe kerek_omek* (آویشن باریک)، *bavina, barehang* (بابونه)، *basom* (بادام کوهی)، *bedavord* (بادآورد)، *bari* (بلوط)، *banek* (بنه)، *bimâdarun* (بومادران)، *podom* (پونه)، *e-par siyâzašun* (پر سیاوشان)، *piyâ* (پیاز)، *todri* (قدومه)، *torvek* (ترب)، *tidek* (توت)، *jâšir* (گاوشه)، *jo* (جو)، *e gulu_tse:rek* (شکر تیغال) *xartevaki* (چرخه)، *xâkšir* (خاکشی)، *xatmi* (گل ختمی)، *xiyâr gorgu* (هندوانه ابوجهل)، *dere: ma* (درمنه)، *denek* (دِن به گویش شیرازی)، *duništ* (اسفند)، *râšuna* (رازیانه)، *ravâtorvak* (تاجریزی)، *reyhun* (ریحان)، *zerišk* (زرشک)، *zenyu* (زنیان/ نانخواه)، *zeytin* (زیتون)، *sarberendzâsk* (گونه‌ای بومادران)، *sâtarra* (شاهتره)، *šamli* (شنبلیله)، *šoves* (شبت/ شوید)، *šišving* (اخدر)، *feranjomešk* (کاسنی)، *kâšin* (کتیرا رگون)، *katira* (کرچک)، *konar* (درخت سدر)، *keverek* (کبر)، *gâzavu* (گاوزبان)، *gêhâk* (ناخنک)، *gešni* (گشنیز)، *e_gang an gondz/ zâzi gol* (انزروت)، *gandenâ* (تره)، *ganom* (گندم)،

marvarišk (مرو / مرورشک)، me:k (شیرین بیان)، manzarjuš (مرزنگوش)، môr (مرغ)،
nâr (انار)

۳- گیاهان علفی مورد استفاده دام:

Zangol, xârak poxta, jeverg, ba:man, alamuk, geytera, kama, gonomuk, kato و.....
علاوه بر این گیاهان که مصرف خوراکی یا دارویی دارند، تعدادی گیاه نیز وجود دارد که
تاکنون شناختی از موارد مؤثره آن به دست نیامده و از آنها هیچ‌گونه استفاده‌ای نمی‌شود. مثل:
e gala, širširuk, sagatâri, xârtevakî sag, Tiriz, prlankoš, bonga, ervuk, anger
e cišdarduk, kâlus, ...e gorua, gol, Condarak, gorgek, gol و Korgen, godek, mozek
شایان ذکر است، بعضی از این گیاهان برای سوخت به مصرف می‌رسد.

استفاده از گیاهان - اعم از گیاهانی که به عنوان خوراکی یا ماده‌ای حیات‌بخش برای درمان
بیماری‌ها گردآوری شده است - قرن‌ها سابقه دارد. شاید اولین بار که از گیاهان استفاده شده است،
زمانی باشد که انسان در دوره بیابان‌گردی دست به گردآوری خوراک زده است؛ شاید هم بتوان
استفاده از گیاهان دارویی را از زمانی دانست که انسان کشاورز مجبور بوده گیاهان را آزمایش کند
و برحسب سود و زیان آنها، گیاهانی که مفید یا بیشتر مفید بوده است، انتخاب کند و به کاربرد.
براین اساس شاید بتوان گفت استفاده از گیاهان طولانی‌ترین آزمایش؛ یعنی تاریخ است.
در عصر هومر Homer (حماسه سرای یونان باستان- قرن ۸ و ۹ پیش از میلاد) کشور مصر به عنوان
منطقه‌ای که گیاهان دارویی و سنتی در آن وجود داشته مطرح است. در این کشور از روغن کرچک
به عنوان مسهل و از پوست انار برای دفع کرم استفاده می‌شده است.
در یکی از پاپیروس‌های مصر باستان، مربوط به قرن ۱۶-۱۷ پیش از میلاد که به پاپیروس «ابرز»
موسوم است، ۸۷۷ نسخه پزشکی وجود دارد.
در قرن هفتم پیش از میلاد در بابل نیز، پزشکی جایگاه والایی داشته و الواحی که از آن زمان باقی
مانده است، این نظر را تأیید می‌کند. در لوحه‌ای که به لوحه قسطنطنیه معروف است، راه درمان
نیش کژدم با دارو و افسون نشان داده شده است.
چینی‌ها نیز در سه هزار سال پیش از میلاد یک فارماکوپه (فهرست داروهای مفید) مفصل داشته‌اند
و در کتابی متعلق به مردم قدیم چین، شرح متجاوز از صدگیاه آمده است. یونانیان نیز جزو اولین
مردمانی هستند که از گیاهان دارویی استفاده کرده، از آنها برای مرهم زخم‌های زخمیان جنگی بهره
برده‌اند، و در بسیاری مواقع از روغن مالی و زخم‌بندی و خوراندن داروهای گیاهی سخن رفته
است.

در ایران پیش از اسلام تنها نام آشنای علم پزشکی، برزویه طبیب، پزشک دوره ساسانیان است که در کتاب‌های پزشکی از او نام برده‌اند. در ایران بعد از اسلام نیز نوابعی همچون ابوبکر محمدزکریای رازی، ابن سینا، جرجانی، اهوازی، الهروی و عقیلی خراسانی پا به عرصه جهان پزشکی گذاشته و باعث پیشرفت‌های شایانی شده‌اند. در دوران این دانشمندان به شمار گیاهان دارویی پیوسته افزوده شده و نمونه‌های جدید به دست آمده است. در کتاب دوم «قانون در طب» ابن سینا تعداد زیادی گیاه آمده و درباره هر یک توضیحات مفصلی داده شده است. یکی از بزرگترین کتابهایی که درباره گیاهان دارویی تدوین شده، کتاب «الابنیه عن الحقایق الادویه» نوشته موفق‌الدین ابومنصور علی الهروی (۴۴۷ ه.ق) است. ابن بیطار نیز که در قرن ۱۳ میلادی می‌زیسته، اختصاصات متجاوز از ۱۴۰۰ گیاه که خود آنها را می‌شناخته، شرح داده است.

امروزه با وجود مخالفت‌های عده‌ای نسبت به اساس فلسفه طب قدیم، بسیاری از مواد مؤثره گیاهی به شکل خالص در طب نوین جای عمده‌ای دارند و در بسیاری از فارماکوپیه‌های معتبر جهان پذیرفته شده‌اند. بسیاری دیگر از گیاهان به عنوان مواد اولیه برای ستیز و ساخت داروها به کار می‌روند؛ به طوری که گفته می‌شود، یک سوم از کلیه فرآورده‌های دارویی که مصرف می‌شود، منشاء گیاهی دارند و اغلب پس از استخراج از گیاه در کارخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها تغییر شکل می‌یابند. جدول زیر نمونه‌ای از این گیاهان را نشان می‌دهد.

گیاه	داروی استخراج شده	موارد مصرف درمانی
تریاک خشخاش	مرفین	مسکن درد
سورنجان	کلسی سین	نفرس
گل انگشتانه	دیپتیلین	بیماری‌های قلبی
افدرا	افدرین	آسم
بید	آسپرین	درد - تب
اپیکاکوانا	اپیکا	دیساتری - آمیبی
روولفیا	رزپین	افزایش فشار خون
گنه گنه	کینپن	مالاریا
مهر گیاه	آتروپین	زخم معده، گشاد کردن مردمک چشم

از آنجا که گیاه‌شناسان بزرگ جهان در قرون متمادی گیاهان را رده‌بندی کرده و هر رده دارای گونه‌های متعدد است، پس شناختن گونه‌های مشابه مشکل می‌نماید و نیاز به شناخت کامل علم گیاه‌شناسی دارد. بنابراین هر گیاهی از هر رده دارای همان خواص گونه اصلی نیست به همین دلیل

باید از گیاهانی که توسط دستفروش‌ها و تازه دکان بازکرده‌های گیاهان دارویی، ارائه می‌شود، پرهیز گردد؛ زیرا از نظر طبی ارزشی ندارد.

طبق نظر گیاه‌شناسان گیاهان دارویی، مقدار مواد مؤثر هر گیاه و تأثیر آن بر بیماری‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله می‌توان به نکات زیر اشاره کرد.

۱- قدرت و پایداری گیاه

۲- زمان چیدن و گردآوری

۳- روش خشک کردن و نگهداری آن

ابوعلی سینا در این زمینه نکات قابل توجهی را یادآور شده است که توضیح آن ضروری می‌نماید. «۱- داوری مورد نظر باید خالی از حالات اکتسابی باشد. مثلاً گرما یا سرمای بیگانه و عرضی بر آن اثر نگذاشته باشد.»

۲- عوامل خارجی تغییراتی در گوهر آن ایجاد نکرده باشد.

۳- عوامل خارجی گوهری ناباب را با گوهر ویژه آن دارو نیامیخته باشد.

در صورتی که داروی مورد نظر از عوامل فوق تأثیر گرفته باشد، مزاجش با مزاج اصلی تفاوت می‌کند. چون آب که در اصل سرد است، اگر آن را گرم کنیم، تا گرم است گرمی‌رسان می‌باشد. یا فریون در اصل گرم است، اگر آن را سردگردانیم، تا سردی در آن باقی است، سردی‌رسان می‌شود.^۴

اگر چه طبق بررسی‌های مختلف، تأثیر سوء مواد گیاهی نسبت به داروهای شیمیایی کمتر است، اما استفاده نابجا و بیش از مقدار توصیه شده توسط طبیبان حاذق، گاهی سبب بروز ناراحتی‌های غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. مثلاً افسنتین اگر به مقدار بیش از حد توصیه شده مصرف شود، سبب سردرد، سرگیجه و ورم بافت‌های ملتحمه می‌شود.^۵

بنابراین جا دارد حدود کاربرد گیاهان دارویی را بشناسیم و از گیاهان همان توقعی را داشته

باشیم که می‌توانند برآورده کنند.

با این توضیحات به نکاتی چند درباره طب سنتی دوان می‌پردازیم و آن را با ذکر نمونه‌هایی در

سه موضوع بررسی می‌کنیم.

۱- گیاهان دارویی

۲- داروهای گیاهی

۳- طبابت عامیانه

بیش از ورود به بحث توصیه می‌شود برای اطلاع کامل از طب سنتی دوان، به کتاب «طب قدیم ایران، طب سنتی دوان» تألیف نگارنده که نشر کازرونیه در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسانده است، مراجعه شود.

۱ - گیاهان دارویی:

همچنان که در صفحات بیش درباره گیاهان دارویی دوان آمد، در طبیعت روستا حدود ۵۸ گیاه دارویی می‌روید. این تعداد گیاهانی است که تاکنون مردم روستا، شناسایی کرده‌اند و طبیعتاً تعداد آنها در طبیعت و منطقه بیش از اینهاست. اما غیر از این گیاهان حدود ۷۰ گیاه دیگر در طب سنتی دوان کاربرد دارد که خارج از منطقه تهیه می‌کنند. تعدادی از این گیاهان عبارتند از: «استوخدوس، عناب، انگبار، بالنگو، بهمن پیچ، پسته، ترنجبین، تباشیر، چشمیزج، خسرودارو، فوفل، دارچین، زنجیل، زیره، سپستان، سنبل الطیب، سنا، صبر، شیرخشت، غرق، فولوس، قرص کمر، میخک و عقل.

حال برای نمونه چند گیاه از رویدنی‌های منطقه دوان که در طب نوین نیز بر مؤثر بودن آنها تأکید شده است، در زیر می‌آوریم.

از برگ و سرشاخه‌های آن به عنوان مسکن استفاده می‌شود و به عنوان ضد سم مواد مخدر و تشنجات و خیز و ورم اعضای بدن شناخته شده است.

- اُشُمِک پُن e pe:n-ôšomek

آویشن شیرازی

Zataria multiflora L.

در طب سنتی دوان باتوجه به سردی مزاج آویشن، آب جوشانده آن را که سرد شده باشد، برای رفع تشنگی زائو استفاده می‌کنند. همچنین داروی مؤثری برای رفع نفخ شکم، اسهال و دلپیچه و استفراغ است. در قدیم پودر برگ آن برای بند آمدن خون محل حجامت استفاده می‌شده است، امروزه از آن برای ضد عفونی کردن زخم‌ها استفاده می‌کنند. به دلیل مزاج سردش، داروی ضد گرمی است و بخار سودا را از تن خارج می‌کند.

آویشن در کتاب‌های قدیم و جدید طبی، به کرات آمده و درباره خاصیت‌های متنوع آن، مطالب مفیدی ارائه شده است.

جین کالین در کتاب «اثر گیاهان و ادویه بر تندرستی و زیبایی» آورده است:

«از برگ و سرشاخه‌های آن به عنوان مسکن استفاده می‌شود و به عنوان ضد سم مواد مخدر و تشنجات و خیز و ورم اعضای بدن شناخته شده است. برگ و گل آن برای پاشویه گرم در موارد

ضرب خوردگی دست و پا به کار می‌رود. دردهای رماتیسمی مفاصل را با قراردادن کیسه محتوی برگ‌های خشک آویشن که در آب گرم خیسانده شده باشد، می‌توان تاحدی ساکت نمود.^۶

خوردن آن در مداوای ورم سخت داخلی مفید است کشیدگی مفاصل را سستی می‌دهد و همه اندامان عصبی را تقویت می‌کند.

مواد مؤثر آویشن:

ژان ولاگ نوشته است: «سرشاخه‌های آن حاوی یک اسانس روغنی مشتمل بر تیمول، کارواکرول است. همچنین دارای تانن، مواد تلخ و ساپونین‌هاست.^۷

بابونه – (باوینَه bavin)

Matricaria chamomilla. بابونه در طب سنتی دوان دارای مزاج گرم است، از این روی معرق

و مُدر است. از دم کرده آن برای قطع تب معمولی ناشی از سرماخوردگی استفاده می‌شود. با خوردن یک لیوان مایع بابونه، بیمار عرق می‌کند و تبش پایین می‌آید. اگر با نعنای دم کنند، برای رفع معده درد مفید است. همچنین برای رفع درد مفاصل و رماتیسم مؤثر است. در مخلوط‌های مختلف و به منظور رفع باد کمر، گرمی و بخار سودا استفاده می‌شود. در مخلوط شافِ مَراره e_šâf marâra برای گازوو gâzavu رفع غَر yar (کدورت چشم) مفید است.

ابن سینا و ابوریحان بیرونی نیز مزاج آن را گرم و خشک دانسته‌اند. ابن سینا درباره تأثیر این گیاه بر بیماری‌ها نوشته است: ورم‌های گرم را فرو می‌نشانند. خوردن آن در مداوای ورم سخت داخلی مفید است. کشیدگی مفاصل را سستی می‌دهد و همه اندامان عصبی را تقویت می‌کند. برای رفع خستگی از هر داروی دیگری سودمندتر است. ضماد آن جوش ترکیده چشم (غرب) را شفا می‌دهد. یرقان را از بین می‌برد و در تب‌های هر روزه اگر روغن بابونه را برتن بمالند. تب پایین می‌آید و در تب‌های کهنه، آن را در اواخر تب می‌خورند، مفید است.^۸

دکتر علی زرگری درباره بابونه نوشته است: «مدر، معرق، مقوی معده، بادشکن، اشتهاآور، هضم کننده غذا، صفراژر، قاعده‌آور و التیام دهنده است. اثر ضد عفونی ضعیف، ولی قاطع دارد.»^۹

مواد مؤثر بابونه:

کاپیتول‌های این گیاه (که تنها عضو دارویی آن است) دارای اسانسی است که به رنگ آبی تیره است و این رنگ به خاطر وجود ماده‌ای است به نام آزونی Azolene که دارای نوعی الکل به نام کامومیلول camomillol، اترهای کاپریلیک، فونی لیک و مواد تلخ دیگر است.^{۱۰}

گل گاوزبان (گازوو) (gâzavu)

Anchusa italica

این گیاه، گونه‌ای از گاو زبان است که به وفور در زمین‌های زراعی جلگه کازرون و دوان می‌روید. مزاج آن گرم است و خواص درمانی بسیار مفیدی دارد. دم کرده برگ و گل آن بهترین دارویی است که برای رفع تشنج و ناراحتی‌های عصبی به کار می‌رود به دلیل مزاج گرمی که دارد، داروی «سردی» است و هر نوع بیماری که از سردی عارض شده باشد، مداوا می‌کند. همچنین مسکن بسیار خوبی برای ترس و وحشت است. در مخلوط‌های زیادی، از داروهای ترکیبی دوان از جمله چارعرق *câr araq* و شاف مراره - *marârašâfe* و... استفاده می‌شود.

ابن سینا درباره گاوزبان نوشته است: «از این گیاه برای فرونشاندن التهابات درون دهان استفاده می‌شود. علاج بیماری ترس (توحش) و تپش قلب است. گاوزبان در علاج سرفه مفید است.»^{۱۱} در کتاب گیاهان دارویی نیز آمده است: «مصرف آن در کلیه مواردی که احتیاج به تقویت اعمال کلیه، برونش‌ها و پوست باشد، مانند زکام، سرفه، برنشیت و نزله، ذات‌الریه، بی‌اختیاری دفع ادرار، سواد، جنازیر و مانند آنها توصیه شده است.»^{۱۲}

در کتاب گیاهان دارویی نیز آمده است: «مصرف آن در کلیه مواردی که احتیاج به تقویت اعمال کلیه، برونش‌ها و پوست باشد، مانند زکام، سرفه، برنشیت و نزله، ذات‌الریه، بی‌اختیاری دفع ادرار، سواد، خنازیر و مانند آنها توصیه شده است.»^{۱۲}

دم کرده برگ و گل آن بهترین دارویی است که برای رفع تشنج و ناراحتی‌های عصبی به کار می‌رود.

مواد مؤثر گاوزبان:

چنان که در کتاب گیاهان دارویی آمده است، این گیاه دارای مواد مؤثر بسیار از جمله نترات پتاسیم، منگنز، منیزیوم، اسید فسفریک و مقدار کمی اسانس و مالات کلسیم است.^{۱۳}

مک me:k -

شیرین بیان

Glycyrrhiza glabra

در طب سنتی دوان، ریشه شیرین بیان برای رفع ناراحتی‌های ریه، نای و درد گلو و نرمی سینه و همچنین رفع ناراحتی‌های معده به کار می‌رود. همچنین از آن در مخلوط چارتمخک *cârtoxmak* و نیگوداغک *bangu dâvek*، برای رفع سرماخوردگی و رفع سرفه‌های خشک استفاده می‌شود. این گیاه علاوه بر مصارف داخلی، در شکسته‌بندی نیز کاربرد دارد. به این ترتیب که آن را در آب می‌جوشانند تا مایعی کشدار به دست آید، این مایع را روی تکه انبانی پهن می‌کنند. آن را روی محل شکستگی قرار می‌دهند. تا وقتی این ماده به پوست چسبیده باشد و از پوست جدا نشود، درد همچنان باقی است اما به محض رفع درد انبان نیز از پوست جدا می‌شود. برای خشک شدن چرک زخمی آب کشیده نیز مفید است. آن را می‌کوبند و پودر آن را بر زخم می‌پاشند و آن را به اصطلاح خشک‌بند می‌کنند.

ژان دلاگ درباره خواص درمانی آن نوشته است: «شیرین بیان دارای خواص خلط آور، مُلینِ ضعیف و آرام‌بخش است. از این گیاه علیه اولسره‌های (زخم‌های) معده و روده استفاده می‌شود. عصاره آن به صورت تبخیر، تصفیه و تغلیظ شده و به وفور در فارماکولوژی به خاطر طعم و قدرت انعطاف‌پذیری آن در قرص‌ها به کار می‌رود.»^{۱۴}

ریشه شیرین بیان محتوی گلوکزیدهای گروه فلاون‌ها، ساپونین‌ها، اسانس روغنی تانن‌ها و آنزیم‌هاست.^{۱۵}

۲- داروهای گیاهی:

از ترکیب انواع گیاهان دارویی که در طب سنتی دوان به کار می‌رود، تعدادی داروی ترکیبی ساخته می‌شود که هریک در مورد خاصی به مصرف می‌رسد. تعدادی از این داروها دارای نام مشخص است و تعدادی دیگر نام خاصی ندارند. داروهایی که نام مشخص دارند، عبارتند از:

بنگوداغک *bangu dâvek*، بوبووک *bubuvek*، پکمه *pakma*، جوشنده *jušenda*، چارتمخک *cârtoxmak*، چار ریشه *câr riša*، چار عرق *câr araq*، چار گلک *câr golak*، چل گیا *cel giyâ*، خرده (باذری) *xârda/ bâsari*، خوفل دارچین *xufal darcin*، پُته *y po:ta -davo*، دَوئی زیمون *y zeymun-davo*، شاف *âšf* شافِ مراره *âšf -e marâra*، گداخته *godâxta*، مَجین *ma:jin* و...

غیر از داروهای مزبور تعدادی داروی ترکیبی نیز وجود دارند که نام ندارند و در رفع بیماری‌های زیر به کار می‌روند.

سوخستگی، کوفتگی بدن زائو، ترس و لرزه دُمَل، درد قاعدگی، یبوست، تراخُم، نفح شکم، کچلی، بادماش و...

برای نمونه به سه مورد از داروهای «با نام» اشاره می‌کنیم.

- پَکمه pakma

این دارو از ترکیب گیاهان زیر تشکیل شده است.

برگ آویشن، سرشاخه گلدار alpa، اروک arvek، (برنجاسف)، سربرنجاسک sarberendzask (گونه‌ای بومادران) درمنه تُرکی، اسپند، زینان (نانخواه)، بومادران، پوست نارنج، صمغ انغوره، گُندر، هلیله و نبات.

همه مواد را به نسبت لازم مخلوط می‌کنند و کاملاً می‌کوبند تا پودر شود. این دارو برای رفع بیماری‌های گوارشی بسیار مفید است. هرشب یک قاشق چایخوری در دهان می‌ریزند و با آب فرو می‌دهند. پکمه برای رفع دل پیچه، بادسرخ، هیضه، ترش کردن معده، اسهال و استفراغ بسیار مفید و مؤثر است.

- چار تُخمک câr toxmak

مواد مؤثر این دارو عبارتند از: دانه انجره، دانهٔ بارهنگ، بالنگو، نیگو (اسفرزه)، به دانه، تُخم گُش (دانه‌کتان) ریشهٔ شیرین بیان، شکرک šakrek (شکر تیغال) و عناب. دم کردهٔ این مخلوط برای رفع سرماخوردگی و سرفه‌های خشک و کهنه به مصرف می‌رسد. مقداری از مخلوط را به اندازه یک قاشق غذاخوری در ظرفی می‌ریزند و آن را کمی حرارت می‌دهند تا بو بخورد. سپس یک لیوان آب به آن اضافه می‌کنند. بعداز کمی جوشیدن، مایعی لعابدار به دست می‌آید. معمولاً این مایع را آخر شب می‌نوشند، دم کردهٔ دیگری به نام نیگو دانمک bangu dâyek نیز تهیه می‌کنند که ترکیب آن نزدیک به چار تخمک است و صبح هنگام ناشتا به بیمار می‌خورانند. چون همهٔ دانه‌های مصرف شده در این دارو دارای لعابند، سینه و گلو را نرم و سرفه را رفع می‌کند.

- خَردهٔ xarda

به این دارو باذری هم می‌گویند. داروی مفیدی برای رفع ناراحتی‌های گوارشی نوزاد است در واقع این دارو اولین دارویی است که به نوزاد می‌خورانند.

خرده ترکیبی از قطعه‌های اِگر ager (بهمن پچ) e pe:c_ba:man دانهٔ انجدان، دانه زینان (نانخواه)، میوهٔ تاجریزی، پیاز گل‌کن e gan_gol و بارهنگ و شکر است. مواد گردآمده را در هاون می‌کوبند تا کاملاً پودر شود. برای استفاده، مقداری از آن را در شیرمادر می‌ریزند و به نوزاد

می‌خورانند. این دارو در چند نوبت قادر است دردهای ناشی از ناسازگاری خوراک با معده کودک را تسکین دهد و از ناآرامی وی هنگام خواب بکاهد.

۳- طبابت عامیانه:

بیماری‌های شناخته‌شده در میان مردم دوان متعدد است. در میان مردم دوان برای مداوای بیماری‌ها «علاج به ضد» می‌کنند. به این ترتیب که ابتدا تشخیص می‌دهند بیماری از چه عارض شده و علت آن از نظر مزاجی چیست، وقتی به مزاج بیماری پی بردند، دارویی که تجویز می‌شود، باید دارای مزاج مخالف باشد مثلاً اگر بیماری شخص از سردی باشد، دارویی؛ مزاج گرم به وی می‌دهند و بالعکس.

بیماری‌های معمول شناخته شده و مردم دوان عبارتند از:

عقب‌گزیدگی، اوله ôla (آبله) bad (رماتیسم)، بادسرخ e sorx -bâd، بیماری‌های رَحِمی، سقط جنین، بریدگی پوست، بوسیل bôsil (بواسیر) تریشه teriša (ترش کردن معده)، توتینگو tôtingu (حصبه)، توگتو tōgotu (تب طولانی)، ختنه xatna خین دماغ xin domâq (رعاف) دندان درد، اسهال، دلوک doluk (زگیل)، دیشک، زالی zâlî (زالو) زخم چرکین، زخم سودایی، ضرب دیدگی بدن، سوختگی، سردی، سرماخوردگی سودا، سهیر sehir (مخملک)، سورو suru (سرخک)، سیه کُک siya:kok (سیاه سرفه) قلب درد، کرم (انگل) کورک kurak (دُمَل)، گرمی، گری گاری (کچلی)، گری درد gori dard (گلو درد)، گوش درد، گیرودو e rudu -gir (یبوست) مارگزیدگی مُخِک moxek (میخچه)، حجومه haguma (حجامت)، هیضه heyza (فساد معده) و... در این قسمت نیز فقط به چند مورد از بیماری‌ها اشاره می‌شود.

- اوله ôla

آبله

قبلاً که واکسن آبله به صورت امروزی آن به روستا راه نیافته بود، مردم دوان برای جلوگیری از آبله رایج، تدبیری می‌اندیشیدند. به این صورت که وقتی آبله شیوع می‌یافت، کسانی که کودک داشتند به خانواده کودک مبتلا به آبله مراجعه می‌کردند و از آنها می‌خواستند پنبه‌ای را به آب اولین تاول کودکشان آغشته کنند و به آنها بدهند. سپس پنبه را روی بازوی کودکشان که به نوک سوزن خون آورده بودند، می‌گذاشتند و با دستمال تمیزی آن را می‌بستند. و به این شیوه کودک خود را واکسینه می‌کردند.

- دیشک dišk

تراخم

تراخم یکی از بیماری‌های واگیردار و بسیار رایج روستا بود که مردم برای مقابله با آن و از بین بردن آن، داروهای مختلفی را یافته‌اند.

برای مداوای تراخم ابتدا مغز میوه گیاهی به نام گل دیشک e_gol dišk را می‌کوبیدند و با نبات کوبیده شده مخلوط می‌کردند و با احتیاط مقدار کمی از آن را به زیر پلک چشم می‌ریختند. در صورتی که بیماری حاد نشده بود، دانه‌های تراخم می‌ترکید و از چشم، خون و چرک خارج می‌شد و چشم التیام می‌یافت. در صورتی که تراخم با این دارو از بین نمی‌رفت، داروی مؤثری را به نام دَوُی پُتَهَ davopy po:ta که آن نیز مخلوطی از تخم ریحان، جوزردک cuzardek، زهره گاو (ماده کیسه صفراى ماده گاو)، گُبح gobdz (صمغ گیاه انزروت)، نبات، تخم شربتی و نسپر (گیاه مخصوص بادچشم) گرد می‌آوردند و آن را مخلوط می‌کردند. و هر بار مقدار کمی از آن را زیر پلک می‌ریختند. اگر تراخم با این دارو نیز از بین نمی‌رفت، هلیله زرد را می‌ساییدند و با کمی آب و به وسیله پنبه‌ای که در سه چوب کبریت تعبیه کرده بودند، به زیر پلک می‌کشیدند. در اثر مالش و تأثیر هلیله، جوش‌های چرکینی می‌ترکید و چشم التیام می‌یافت.

- مارزدگی mârzadegi

مارگزیدگی

در دوان برای تشخیص این که شخص از مارگزیدگی است یا جانور دیگر، بالافاصله شخصی که قبلاً او را مارگزیده، بربالین مارگزیده می‌آوردند، در صورتی که حال وی به هم می‌خورد و به حالت استفراغ دچار می‌شد، می‌فهمیدند که شخص بیمار را نیز مار گزیده است. زیرا معتقد بودند بوی زهر، حال شخص حاضر را به هم می‌زند.

در این صورت فوراً محل بالای زخم را با بند یا کش می‌بستند تا خون آلوده به زهر به دیگر نقاط بدن سرایت نکند و آن را تیغ می‌زدند و با فشار، خون و زهر را از محل تیغ زده خارج می‌کردند و بعد از اطمینان از این که زهر کاملاً خارج شده، زهره خشک شده روباه را (که معمولاً برای چنین مواقعی از قبل نگهداری کرده بودند) در کمی آب خیس می‌کردند و روی موضع می‌مالیدند. این ماده ضمن ختنی کردن اثر زهر، زخم را نیز التیام می‌داد.

پی‌گفتار:

چگونگی تشخیص و مداوای بیماری‌هایی که تا امروز در میان مردم دوان و دیگر مناطق وجود دارد، با توجه به تشابهاتی که در نحوه تجویز دارو و مداوای (علاج به ضد) بیماری‌ها و همچنین

مزاج داروها با نظرات طبیبان قدیم ایران، می‌توان گفت دو احتمال وجود دارد که این تشابهات تا امروز در طب سنتی دوان باقی مانده است.

۱- به احتمال، علما و مشاهیر دوان با مطالعه کتاب‌های طبی قدیم ایران، برای بیماران داروهای دستور داده شده را تجویز می‌کرده‌اند و به مرور این علم را به عوام منتقل کرده و طی مدت طولانی جزو علوم عامه شده است.

۲- احتمال دارد مردم دوان از گذشته‌های دور، حتی قبل از اسلام و در طی تاریخ اجتماعی خود و به تبع نیاز، از طبیعت استفاده کرده و از گیاهان موجود در محیط طبیعی خویش سود برده‌اند و به مرور به شناخت کافی در مورد تأثیر گیاهان بر بدن و مداوای بیماریهای خویش رسیده باشند.

در پایان باید یادآور شد که گرچه طب سنتی (گیاه درمانی) در نقاط مختلف ایران قادر نیست بیماری‌های گوناگون امروزی را مداوا کند، اما تا زمانی که طب نوین در گستره ایران پهناور نتواند به نیازهای مردم، آن گونه که می‌یابد، پاسخ دهد، اظهار نظر در رد طب سنتی زیان‌آور و مخرب است. و مردم را در درمان دردهای خود سردرگم خواهد پس جا دارد که مسئله غامض طب و طبابت را ساده نینگاریم و غیر مسئولانه بدون جایگزینی طرحی نو و همه جانبه به ذخایر فرهنگی مان پشت پا نزنیم و یا تحقیق و پژوهش دلسوزانه از میان هر آنچه که هست، مسائل مثبت را بیابیم و با روش‌های علمی آن را در جهت منافع ملی به خدمت گیریم. ان‌شاء...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. جایگزین‌های طب نوین راهها و روش‌ها، محمدرضا توکلی صابری، نشریه دارو و درمان، سال اول شماره ۷، شهریور ۱۳۶۳، صفحه: ۸
۲. گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۳۳
۳. جایگزین‌های طب نوین، پیشین، صفحه ۸
۴. قانون در طب، ابوعلی سینا، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، انتشارات سروش، تهران، کتاب دوم ۱۳۶۲، صفحه ۱۷
۵. جایگزین‌های طب نوین - پیشین
۶. اثر گیاهان و ادویه بر تندرستی و زیبایی، جین کالین، ترجمه سیاوش آگاه، نشر سمن تهران ۱۳۷۶، ص ۷۷
۷. گیاهان دارویی، روش‌های کشت، برداشت و... ژان و لاگ و استودولا زیری، ترجمه ساعد زمان، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۲۱
۸. قانون در طب ابوعلی سینا، پیشین، صفحه ۸۴
۹. گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، پیشین، ص ۲۲۸
۱۰. همان
۱۱. قانون در طب ابوعلی سینا، پیشین، ص ۲۰۲
۱۲. گیاهان دارویی؛ دکتر علی زرگری، پیشین، ص ۴۲۸
۱۳. همان
۱۴. گیاهان دارویی، روش‌های کشت، برداشت...، پیشین، ص ۱۹۹
۱۵. همان